

اولین مظلوم و آخرین مقیم

www.ketab.ir

تحقیق و تألیف
محمد حبیبی

سرشناسه: حبیبی، محمد، ۱۳۲۶
 عنوان و نام پدیدآور: اولین مظلوم و آخرین منتقم / تحقیق و تألیف محمد حبیبی
 مشخصات نشر: قم: زمینه سازان ظهور امام عصر (عج)، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: رقعی ۳۵۰ ص
 شابک: ۹۶۶-۸۸۰۳-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۴۷ - ۳۴۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
 موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۹۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق
 رده بندی کنگره: BP ۳۷/۳۵
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۸۱۳۰۰

اولین مظلوم و آخرین منتقم



مرکز پژوهش

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۷۶
 تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۲۷۰۷ همراه مولف: ۰۹۱۲۲۰۹۱۴۲۹

مولف: محمد حبیبی

ناشر: زمینه سازان ظهور امام عصر (عج)

طراح جلد: علیرضا حبیبی و ابوالفضل حبیبی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۰

چاپخانه: زمزم

ناظر چاپ: موسی رمضانی پور امام

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست

مقدمه	۱۳
فصل اوّل: حضرت علی (علیه السلام)	
۱- ولادت حضرت علی (علیه السلام) و نامگذاری آن حضرت	۱۹
۱-۲- میلاد حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)	۲۳
۱-۳- چند فضیلت حضرت علی (علیه السلام) از دیدگاه خلفا	۲۵
۱-۴- درویزی‌های روحی، اخلاقی و عملی حضرت علی (علیه السلام)	۲۷
۱-۵- علم حضرت علی (علیه السلام)	۲۹
۱-۶- عصمت و اخلاص حضرت علی (علیه السلام)	۳۰
۱-۷- مقایسه حضرت علی (علیه السلام) با انبیاء الهی (علیهم السلام) در پرتو قرآن کریم	۳۱
۱-۸- پنج پیامبر (علیهم السلام) اسوه حضرت علی (علیه السلام)	۳۴
۱-۹- فضایل حضرت علی (علیه السلام) قابل شمارش نیست	۳۷
فضیلت اوّل: علم است	۳۸
فضیلت دوم: زهد است	۳۹
فضیلت سوم: عبادت است	۴۰
فضیلت چهارم: حلم است	۴۰
فضیلت پنجم: جود و کرم است	۴۰
فضیلت ششم: شجاعت است	۴۱
فضیلت هفتم: مستجاب دعا بودن است	۴۲
فضیلت هشتم: غیب‌گویی است	۴۲
فضیلت نهم: جهاد است	۴۳
فضیلت دهم: نسبت شریف آن حضرت است	۴۴

- فضیلت یازدهم: فضیلت محبت آن حضرت است..... ۴۵
- فضیلت دوازدهم: آنکه صاحب حوض و لواء و صراط است..... ۴۵
- ۱۰-۱- حضرت علی علیه السلام نقطه باء بسم الله..... ۴۶
- ۱۱-۱- ایضاً در فضیلت و شجاعت حضرت علی علیه السلام..... ۴۶
- ۱۲-۱- حضرت علی علیه السلام خود را معرفی می نمایند..... ۵۲
- ۱۳-۱- معرفی کردن حضرت علی علیه السلام توسط حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله..... ۵۴
- و دیگر از مزیت های حضرت علی علیه السلام..... ۶۲
- عمر بن عبدالعزیز (خلیفه اموی):..... ۶۴
- ۱۴-۱- غدیر تجلیگاه عشق..... ۶۶
- ۱۵-۱- معارفه امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیر خم..... ۷۳
- عوامل بی میلی پیامبر صلی الله علیه و آله به اعلام ولایت حضرت علی علیه السلام..... ۷۵
- ۱۶-۱- ادامه واقعه غدیر..... ۷۶
- ۱۷-۱- گریه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله..... ۷۸
- ۱۸-۱- خبر از نقض پیمان انبیاء..... ۷۹
- ۱۹-۱- آیاتی از سوره معارج در تأیید حادثه غدیر..... ۸۰
- ۲۰-۱- اِکمال دین..... ۸۱
- ۲۱-۱- اشعار در عید سعید غدیر..... ۸۴
- ۲۲-۱- معنای مولی..... ۸۵
- ۲۳-۱- خطوط سیاسی بعد از فوت پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۹۱
- ۲۴-۱- خطبه شقشقیه و غضب خلافت..... ۹۲
- ۲۵-۱- دوران سکوت و همکاری حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۹۶
- ۲۶-۱- یاران بی وفا..... ۹۸
- ۲۷-۱- علی علیه السلام تنها و نامه به ابوبکر..... ۱۰۰
- ۲۸-۱- دفاعیات تاریخی علی علیه السلام و یارانش..... ۱۰۱

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ، مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ



مقدمه

سپاس خداوندی را سزااست که آفرینندهٔ بندگان و گسترانندهٔ زمین و آسمانها و جاری کنندهٔ آب در سطح زمین‌های بیست، و رویانندهٔ گیاهان در کوه‌ها و تپه‌های بلند می‌باشد. نه اول او را آغازی و نه ازلی بودن او را پایان در برابر عظمت او به خاک افتاده، و لب‌ها در اعتراف به یگانگی او در حرکتند.

اوست که به اسرار نهان‌ها آگاه است، و نشانه‌های آشکاری در سراسر هستی بر وجود او شهادت می‌دهند، هرگز برابر چشم بینندگان ظاهر نمی‌گردد. نه چشمی او را دیده نه می‌توان انکارش کند، و نه قلبی که او را شناخت می‌تواند مشاهده‌اش نماید. در والایی و برتری از همه پیشی گرفته. پس، از او برتر چیزی نیست، و آنچنان به مخلوقات نزدیک است که از او نزدیک‌تر چیزی نخواهد بود.

مرتبهٔ بلند، او را از پدیده‌هایش دور نساخته، و نزدیکی او با پدیده‌ها، او را مساوی چیزی قرار نداده است. عقل‌ها را بر حقیقت ذات خود آگاه نساخته، اما از معرفت و شناسایی خود باز نداشته است.

پس اوست که همهٔ نشانه‌های هستی بر وجود او گواهی می‌دهند و دل‌های منکران را بر اقرار به وجودش واداشته است، خدایی که برتر از گفتار تشبیه‌کنندگان و پندار

منتکران است.

خداوندی که به قدرت والا و برتر، و با عطا و بخشش نعمت‌ها به پدیده‌ها نزدیک است. اوست بخشنده تمام نعمت‌ها، و دفع کننده تمام بلاها و گرفتاری‌ها. او را می‌ستایم در برابر مهربانی‌ها و نعمت‌های فراگیرش. به او ایمان می‌آورم چون مبدأ هستی و آغاز کننده خلقت آشکار است. از او هدایت می‌طلبیم چون راهنمای نزدیک است، و از او یاری می‌طلبیم که توانا و پیروز است، و به او توکل می‌کنم چون تنها یاور و کفایت کننده است. گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست. او را فرستاده تا فرمان‌های خدا را اجرا کند و بر مردم حجت را تمام کند، آنها را در برابر اعمال ناروا بترساند.

خدایا تویی سزاوار ستایش‌های نیکو، و بسیار و بی‌شمار تو را ستودن اگر تو را آرزو کنند پس بهترین آرزویی، و اگر به تو امید بندند، بهترین امیدی. خدایا درهای نعمت بر من گشودی که زبان به مدح عن تو بگشایم. و بر این نعمت‌ها غیر از تو را ستایش نکنم، و زبان را در مدح نومید کنندگان، و آنان که مورد اعتماد نیستند باز نکنم.

خداوند! هر ثناگویی از سوی ستایش شده پاداشی دارد، به تو امید بستم که مرا به سوی ذخائر رحمت و گنج‌های آموزش آشنا کنی.

خدایا این بنده توست که تو را یگانه می‌خواند، و توحید و یگانگی تو را سزااست، و جز تو کسی را سزاوار این ستایش‌ها نمی‌داند. خدایا مرا به درگاه تو نیازی است که جز فضل تو جبران نکند، و آن نیازمندی را جز عطا و بخشش تو به توانگری مبدل نگرداند، پس در این مقام رضای خود را به ما عطا فرما، و دست نیاز ما را از دامن غیر خود کوتاه گردان که «تو بر هر چیزی توانایی».

هر سزی نزد تو آشکار و هر پنهانی نزد تو هویدا است. تو خدای همیشه‌ای و بی‌پایان، و تو پایان هر چیزی، که گریزی از آن نیست. وعده‌گاه همه، محضر توست، و رهایی از تو جز به تو ممکن نیست، و زمام هر جنبنده‌ای به دست تو است، و به سوی تو بازگشت هر آفریده‌ای است. پاک و منزهی ای خدا! سپاس تو را سزااست که شیم را به

صبح آوردی بی آن که مرده یا بیمار باشم، نه دردی بر رگ‌های تنم باقی گذاردی، و نه به کیفر بدترین کردم گرفتار کردی، نه بی‌فرزند و خاندان مانده، و نه از دین خدا روی گردانم، نه منکر پروردگار، نه ایمانم دگرگون، و نه عقلم آشفته، و نه به عذاب امت‌های گذشته گرفتارم. در حالی صبح کردم که بنده‌ای بی اختیار و بر نفس خود ستمکارم. خدایا بر تو است که مرا محکوم فرمایی در حالی که عذری ندارم، و توان فراهم آوردن چیزی جز آنچه که تو می‌بخشایی ندارم، و قدرت حفظ خویش ندارم جز آن که تو مرا حفظ کنی. خدایا به تو پناه می‌برم از آن که در سایه بی‌نیازی تو، تهدیدت باشم، یا در پرتو روشنایی هدایت تو گمراه گردم، یا در پناه قدرت تو بر من ستم روا دارند، یا خوار و ذلیل باشم در حالی که کار در دست تو باشد!

«خدایا من از تو می‌خواهم همه توانم و فکر و اندیشه‌ام را به خود جلب نمایی و غیر از تو هیچ چیز در قلبم جای نگذرد و همه هستی‌ام به خاطر تو باشد و غیر از تو به هیچ کس فکر نکنم.»

خدایا! تو را سپاس می‌گویم که ما را به زیور چشم و گوش و دانش و هوش بیاراستی و بدین شکل تراوشهای هنری ما را با نیروی بیان و زبان به چشم بینندگان و خوانندگان رساندی. و این بنده سر تا پا گناه را در دوره‌ای از زندگانی، یاوری فرمودی. تا به گردآوری مطالب مهم و سودمند در مورد حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و چاپ و انتشار کتاب روح تقدس (شامل ۱۲ فصل) و دیگر نیز عنایت نمودی تا کتبی بنام پنج کلید هدایت (شامل پنج فصل) را تألیف و هدیه کردم به روان پاک ائمه طاهرين (علیهم السلام).

حال از خداوند یکتائی که همیشه فضل و بخشش و عنایتش شامل حال این بنده حقیر و سر تا پا گناه بوده است یاری می‌طلبم تا با جمع‌آوری مطالبی ارزشمند، کتبی دیگر به نام اولین مظلوم و آخرین منتغم (شامل سه فصل را چاپ و انتشار و ثوابش را هدیه نمایم به روان پاک حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) خاتم پیامبران و حضرت فاطمه (علیها السلام) و ائمه طاهرين (علیهم السلام) و رهبر کبیر انقلاب اسلامی و جانشین ایشان و شهدای جان بر کف اسلام و

شادی روح پدر و مادر این بنده حقیر و لعنت خداوند بر دشمنان آنان تا روز قیامت، و از خوانندگان گرامی می‌خواهم که این چکامه‌های نغز را به گوش دل و هوش بنیوشند و به کار بندند که تنها راه رهایی از دنیای مادی و نجات از جهل و گمراهی و دوری از هر چه بتر و انگیزه خوشبختی در جهان آخرت، بکار بستن مطالب مندرج و تفهیم آن و شناخت حقیقت و راه حق از گمراهی است را بخوانند و هرگاه پس از مطالعه، در روح و روان خود، دگرگونی یافتند و در دل خود از آلودگی‌های دنیای دون روی گردان شده و ترک هوا و هوسهای یاه و پوچ زندگانی را خواستند آن را چندین بار بخوانند و چون به کمال دل و جان و تن و روان رسیدند و به عالم آخرت و روز حساب، یقین پیدا کردند از من گناهکار هم یادی کنند و آمرزش خواهند، در پایان کامیابی همه خوانندگان را از خداوند تبارک و تعالی خواهانم و این مکتوب را به حول و قوه الهی با قطعه شعری از مرحوم ملا احمد نراقی شروع می‌نمایم.

خیمه زد چون در دلت سلطان عشق	ملک دل گردید شهرستان عشق
هم هوئی ز آنجا گریزد هم هوس	چرا یکی آنجا نیابی هیچکس
آنچه او خواهد همی خواهی و بس	نی هوئی باشد تو را و نی هوس
بلکه خواهش از تو بگریزد چنان	کانچه تو خواهی نخواهی خواهد آن
گیرد اندر بزم اطمینان مقام	فأدخلی فی جَنَّتِی آید پیام